

مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی
سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰
تاریخ وصول: ۸۹/۸/۲۲
تاریخ اصلاحات: ۹۰/۲/۱۰
تاریخ پذیرش: ۹۰/۳/۱۷
صص ۶۵ - ۸۴

بررسی لایه‌ها و سطوح واژگانی در وندهای زبان فارسی از نگاه صرف واژگانی

خسرو غلامعلی‌زاده^۱

یداله فیضی پیرانی^۲

چکیده

در این تحقیق، لایه‌ها و سطوح واژگانی در وندهای زبان فارسی، از نگاه صرف واژگانی مطالعه می‌شوند. این وندها با توجه به رفتارشان نسبت به پایه‌ای که به آن افزوده می‌شوند، به دو دسته خنثی و غیرخنثی تقسیم می‌شوند. وندهای غیرخنثی به لایه اول و وندهای خنثی به لایه دوم تعلق دارند. بیشتر وندهای زبان فارسی غیرخنثی و تکیه‌بر هستند؛ یعنی جایگاه تکیه را به روی خود منتقل می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: صرف واژگانی، وند خنثی، لایه، پایه، وند تکیه‌بر

۱. مقدمه

مبحث صرف از دهه هفتاد، با انتشار آثاری از سوی متیوز (۱۹۷۴)، آرونوف (۱۹۷۶) و هله (۱۹۷۳)، با نگاهی جدید (واژگانی) در چهارچوب دستور زایشی رونق یافت. در این مدل، واژه به عنوان محور اصلی تجزیه و تحلیل‌های صرفی مطالعه می‌شود (هاکت، ۱۹۵۸). در صرف واژگانی، اجزای دستوری صرفی به صورت سطوح سلسله‌مراتبی منظم می‌شوند (الن ۱۹۷۸؛ سیگل ۱۹۷۴؛ کیپارسکی ۱۹۸۲). وندها باعث ایجاد سطوح و تغییر در پایه می‌شوند. ترتیب سطوح نیز بیانگر ترتیب عملکرد فرایندهای واژه‌سازی است. در این مقاله، زیاترین و فعال‌ترین وندهای زبان فارسی امروزی از نظر خنثی و غیرخنثی بودن، تصریفی یا اشتقاقی و نوع لایه آنها از نگاه صرف واژگانی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

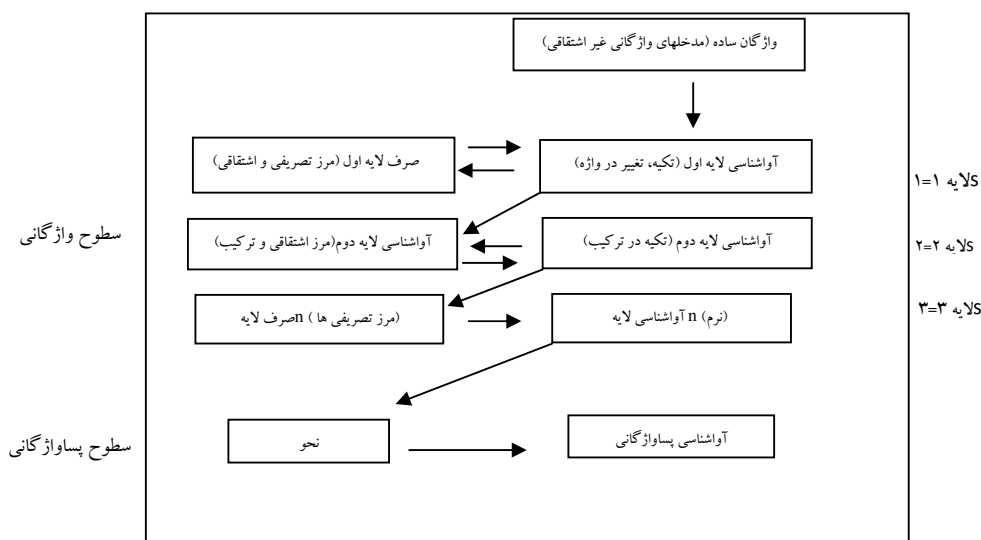
۲. صرف واژگانی

در صرف واژگانی، بنا به گفته اگردی و همکاران (۱۹۸۹: ۱۶۴)، "بنیاد یک واژه جدید تقریباً همیشه واژه‌ای است که از قبل در زبان وجود دارد؛ یعنی واژه بر مبنای واژه ساخته می‌شود". در این مدل، وندها به صورت لایه‌ای به واژه‌هایی که از قبل در زبان وجود دارند، افزوده می‌شوند. به مثال زیر توجه کنید:

→ دانشمندانه /danešmændane/ → دانشمند /danešmænd/ → دانش /daneš/ (1)
 دانشمندانه تـ /danešmændanetær/ (2) [[[[[dan]_v, eš]_n, mænd]_n, ane]_adv, tær]_adv

همچنان که ملاحظه می‌کنید، ساخت واژه‌های فوق با شکل ساده «دانش» /daneš/ آغاز گردیده است و وندها به صورت لایه‌ای به آن افزوده شده‌اند.

در صرف واژگانی، اعتقاد بر این است که واژه‌ها بر اساس ویژگی وندها به سطوح سلسله‌مراتبی تقسیم می‌شوند. کیپارسکی (۱۹۸۲b: ۵) می‌گوید: "فرایندهای تصریفی و اشتقاقی به صورت لایه‌هایی در ذهن گویشوران قرار دارد. هر لایه تعدادی قواعد آوایی است که بیانگر ترتیب فرایندهای واژگانی است". به جدول زیر توجه کنید:



جدول (۱) لایه‌های واژگانی و پساواژگانی مدل کیپارسکی (۱۹۸۲)

جدول فوق دارای دو بخش اصلی است: واژگانی و پساواژگانی. در بخش واژگانی، فرایندهای صرفی در سه لایه انجام می‌گیرد. وندهای غیرخشتی و فرایندهای تصریفی و اشتقاقی بی‌قاعده، در لایه اول و فرایندهای ترکیب و اشتقاق با قاعده و تغییرات موجود در مرز واژه‌ها در لایه دوم عمل می‌کنند. وندهای خشتی و فرایندهای تصریفی با قاعده و نرم شدن واژه‌ها در لایه سوم صورت می‌گیرد. در این مقاله، بررسی وندها بر اساس دیدگاه دو لایه‌ای کاتامبا و استانهام (۲۰۰۶) صورت گرفته است. آنان (۲۰۰۶:۱۰۷) معتقدند که "قواعد واژگانی به صورت چرخه‌ای عمل می‌کنند؛ یعنی اعمال یک قاعده صرفی، اعمال قاعده واجی را در پی دارد".

وندهای لایه اول + قاعده‌های آوایی چرخه‌ای + وندهای لایه دوم

(الف)

فرایند اول: مرد (اسم) + انه (پسوند شباهت) * مردانه (صفت) }
 فرایند دوم: مردانه (صفت) + ی (اسم‌ساز) * مردانگی (اسم) } (ب)

فرایند اول براساس قواعد صرفی و فرایند دوم بر اساس قواعد واج - واژی صورت می‌گیرد. در فرایند دوم، پس از افزودن «-ی» اسم‌ساز، واج میانجی «گ» به بین دو تکواژ افزوده می‌شود.

۳. ترتیب وندها

وندها در صرف واژگانی بر اساس نظم خاصی در سطوح یا لایه‌های مختلف واژگان افزوده می‌شوند. لذا، ترتیب سطوح بیانگر ترتیب عملکرد فرایندهای واژه‌سازی است. در مثال‌های زیر به رابطه وندها با ریشه توجه کنید:

[ریشه]	[[[ریشه]]]	[[[ریشه]]]
	[۱] وند	[۲] وند
آبرو	آبرو + مند + انه	آبرو + انه + مند *
دروازه	دروازه + بان + ها	دروازه + ها + بان *

جدول (۳) لایه‌بندی پسوندها

[ریشه]	[۱] وند	[۲] وند
	[[[ریشه]]]	[[[ریشه]]]
هنگام	نا + ب +	ب + نا + هنگام *
رو (م)	می + ن + رو (م)	ن + می + روم *

جدول (۲) لایه‌بندی پیشوندها

همچنان که ملاحظه می‌کنید، وندهای لایه اول قبل از سایر وندها به پایه افزوده می‌شوند. به عبارت دیگر، اطلاعات خروجی در فرآیند اول، به منزله اطلاعات ورودی برای سایر فرایندها است.

بر اساس اصل ۲۸ گرینبرگ (۱۹۶۶:۹۳) "وندهای اشتقاقی نسبت به وندهای تصریفی به ریشه نزدیک‌ترند". اگر چند تکواژ تصریفی به پایه‌ای افزوده شوند، باز هم به صورت لایه‌ای و قانونمند عمل می‌کنند. تکواژهای جمع، مثل «-ها» و شناسه‌ها، مثل «-ایم» پس از سایر تکواژها پدیدار می‌شوند. جدول زیر را ملاحظه نمایید:

[ریشه]	[ریشه [ونداشتقاقی [وند تصریفی]]]	ریشه [وند تصریفی ۱ [وند تصریفی ۲]]
شاد	شاد + ی + ها (شاد + ها + ی *)	شاد+ترین+ها(شاد+ها+ترین*)
هنر	هنر + مند+ترین (هنر + ترین + مند*)	هنرمند + ترین + ها (هنرمند + ها + ترین*)

جدول ۴

در رابطه با واژه‌هایی همچون «دهاتی»، «تأسیساتی»، «تجزیراتی» و «تشکیلاتی» در زبان فارسی دو دیدگاه متفاوت مطرح است. کلباسی (۱۳۸۰:۲۴) می‌گوید: "در زبان فارسی گاه بعضی از وندهای تصریفی قبل از وندهای اشتقاقی قرار می‌گیرند، مانند «-ات» در «دهاتی» و «تأسیساتی». از طرفی دیگر شقاقی (۱۳۸۶:۹۰) معتقد است: "گوشوران مفهوم جمع را از این قبیل ساخت‌ها استنباط نمی‌کنند و به آنها وند اشتقاقی می‌افزایند، زیرا این ساخت‌ها را بسیط می‌انگارند". نگارندگان نیز با دیدگاه دوم که مطابقت بیشتری با اصل ۲۸ گرینبرگ (۱۹۶۶) دارد، موافق‌اند و معتقدند که «-ات» در این ساخت‌ها اشتقاقی است، نه تصریفی. «دهات» در چنین مواردی جمع «ده» نیست و «تأسیسات» جمع «تأسیس» نیست، بلکه مفهوم آنها تغییر کرده است. چنین واژه‌هایی از نظر گوشوران زبان فارسی جمع تلقی نمی‌شوند و گاه آنها را با «-ها» مجدداً جمع می‌بندند مانند: «دهات‌ها»، «تأسیسات‌ها»، «تشکیلات‌ها» و «مخابرات‌ها».

۴. وندهای خنثی و غیر خنثی

وندهای زبان فارسی با توجه به رفتارشان نسبت به پایه‌ای که به آن افزوده می‌شوند، به دو دسته خنثی و غیرخنثی تقسیم می‌شوند. کاتامبا و استانهام (۲۰۰۶: ۸۹) معتقدند: "وندهای غیرخنثی آنهایی هستند که هنگام افزوده شدن به پایه، مشخصه‌های آوایی پایه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به لایه اول تعلق دارند اما وندهایی که هیچ تأثیر آوایی بر پایه نداشته باشند، وندهای خنثی و متعلق به لایه دوم هستند". بیشتر وندهای زبان فارسی از نوع تکیه‌بر هستند؛ یعنی جایگاه تکیه را به خود منتقل می‌نمایند. به مثال‌های زیر توجه نمایید:

(۳) الف) دانش /dan'ɛʃ/ - مند ← دانشمند /daneʃm'ænd/

- ب) ماشین +/maš'in/ - ها ← ماشین‌ها /mašinh'a/
- (۴) الف) هم /hæm/ + سفر /sæfæ'r/ ← همسفر /hæmsæf'ær/
- ب) دفتر /dæft'ær/ + ی /-i/ ← دفتری /dæft'æri/ (یک دفتر)

چنانکه می‌بینید، وندهای مثال (۳)، یعنی «-مند» و «-ها» غیرخشتی هستند، زیرا با اضافه شدن آنها مشخصه‌های آوایی پایه تحت تأثیر قرار می‌گیرد و جایگاه تکیه تغییر می‌کند. وندهای «هم-» و «-ی» در مثال (۴) خشتی هستند، چون اضافه شدن آنها تأثیر چندانی بر پایه ندارد.

۵. توصیف و تحلیل

۵-۱. وندهای تصریفی زبان فارسی

۱- «-ها» /-ha/، «-ان» /-an/ (نشانه‌های جمع) اسم مفرد + ها/ان ← اسم جمع

مثال: «کتاب‌ها» /ketabh'a/، «مسلمانان» /mosælman'an/

در «کتاب» /ket'ab/ و «مسلمان» /mosælma'n/ تکیه روی هجای آخر است، با افزودن وندهای «-ها» و «-ان» جایگاه تکیه تغییر می‌کند و به روی خود وند انتقال می‌یابد. در نتیجه، این وندها غیرخشتی هستند.

وندهای «-ها» و «-ان» غیرخشتی و متعلق به لایه اول هستند

۲- «-تر» /-tær/، «-ترین» /-tærin/ (نشانه‌های تفضیلی و عالی). صفت/قید + تر/ترین ← صفت/قید

مثال: «زیباتر» /zibat'ær/، «دلیرانه‌تر» /dæliranet'ær/

در زیبا /zib'a/ و دلیرانه /dæliran'e/ تکیه روی هجای آخر است، اما با اضافه شدن «-تر» یا «-ترین»، جایگاه تکیه تغییر می‌کند و به روی خود وند انتقال می‌یابد. این وندها غیرخشتی هستند.

وندهای «-تر» و «-ترین» غیرخشتی و متعلق به لایه اول هستند.

۳- «-م» /-om/، «-مین» /-omin/ (نشانه عدد ترتیبی)

عدد + «-م» / «-مین» ← عدد ترتیبی. مثال: یازدهم /jazdæh'om/، یازدهمین /jazdæhom'in/

وندهای «-م» یا «-مین» غیرخشتی هستند، زیرا با اضافه شدن آنها جایگاه تکیه تغییر می‌کند.

وندهای «-م» و «-مین» غیرخشتی و متعلق به لایه اول هستند.

۴- «-ب» /be-/ (نشانه فعل حال التزامی و امر گذشته ساده)

الف) «-ب» + بن مضارع ← فعل امر. مثال: «بخوان» /b'exan/، «بگیر» /b'egir/

ب) «-ب» + بن ماضی ← فعل ماضی. مثال: «بنوشت» /b'enevešt/، «برفت» /b'eræft/

پیشوند «ب-» غیرخنتی است، زیرا با اضافه شدن آن جایگاه تکیه تغییر می‌کند و بر روی خود وند قرار می‌گیرد.

پیشوند «ب-» غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۵- «همی -/ می -» /hæmi- mi-/ «همی -» + فعل ← فعل استمراری. مثال: «می‌رفتم»
/m'iræftæm/ «می‌گفتم» /m'igoftæm/
در رفتم /r'æftæm/ و گفتم /g'oftæm/ تکیه روی هجای اول است، اما با اضافه شدن «می -» جایگاه تکیه تغییر می‌کند و به روی خود انتقال می‌یابد. در نتیجه، این وند غیرخنتی است.

پیشوند «همی -/ می -» غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۶- شناسه‌های فعلی زمان گذشته، مثل /-æm/, /-i/, /-ø/, /-æd/, /-im/, /-id/ و /-ænd/ غیرخنتی هستند.

مانند: «خروشید» /xoruš'id/ و «افتاد» /oft'ad/

این شناسه‌ها غیرخنتی و متعلق به لایه اول هستند.

۷- «د- / م-» /mæ-/- /næ-/ پیشوندهای نفی در «نگفتید» /n'ægof tid/ و «میازار» /m'æyazar/

غیرخنتی هستند زیرا با اضافه شدن آن جایگاه تکیه تغییر می‌کند و بر روی خود وند قرار می‌گیرد.

این وندها غیرخنتی و متعلق به لایه اول هستند.

۸- «- آند و انید» /and/ و /anid/ (نشانه فعل سببی)^۳

بن مضارع + اند/ انید ← فعل سببی. مثال: «خورانید» /xoran'id/ «خندانید» /xændan'id/

وندهای /and/ و /anid/، خنتی و متعلق به لایه دوم هستند.

پیشوند /mi-/ غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

وندهای تصریفی اصلی (حقیقی)	خنتی	غیر خنتی	مثال
۱- ها /ha/، ان /an/ (نشانه جمع)		+	کتابها /ketabh'a/
۲- تر /tær/، ترین /tærin/ (نشانه‌های تفضیلی و عالی)			بهرتر /beht'ær/
۳- ام /om/، امین /omin/ (نشانه عدد ترتیبی)		+	یازدهم /yazdæho'm/
۴- ب /be/ (نشانه فعل امر و التزامی)		+	برفت /b'eræft/
۵- می، همی /mi/ (نشانه استمراری و اخباری)		+	می‌رفتم /m'iræftæm/
۶- ام /æm/، اید /id/ (شناسه‌های فعلی)		+	خروشید /xoruš'id/
۷- ن /næ/ و م /mæ/ (پیشوندهای نفی)		+	نرفت /n'æræft/
۸- اند /and/، انید /and/ (نشانه فعل سببی)	+	+	خورانید /xoran'id/

۲-۵. وندهای تصریفی عربی در فارسی

این وندها نه تنها با واژه‌های عربی، گاه با واژه‌های فارسی یا غیرفارسی رایج در زبان فارسی نیز به کار می‌روند.

۱- «-ات» /-at/ : اسم مفرد + «-ات» ← اسم جمع. مثال: «باغات» /baq'at/ ، «سبزیجات» /sæbzij'at/

۲- «-ین» /-in/ : اسم مفرد + «-ین» ← اسم جمع. مثال: «حاضرین» /hazer'in/ «سارقین» /sareq'in/

۳- «-ون» /-un/ : اسم مفرد + «-ون» ← اسم جمع. مثال: «انقلابیون» /enqelabiyy'un/

۴- «-ین» /-eyn/ : اسم مفرد + «-ین» ← اسم (تثنیه). مثال: «طرفین» /tæræf'eyn/ «والدین» /valed'eyn/

۵- «-ه» /-e/ : اسم مفرد + ه ← اسم مؤنث. مثال: «نادره» /nader'e/ «فریده» /færid'e/

این وندها غیرخشتی هستند، زیرا با اضافه شدن آنها به پایه جایگاه تکیه تغییر می‌کند؛ مثلاً در حاضر /haz'er/ تکیه روی هجای دوم است. حال آنکه با افزودن /in/ تکیه به روی هجای سوم؛ یعنی خود /in/ منتقل می‌شود.

وندهای «-ات»، «-ین»، «-ون»، «-ین» و «-ه» غیر خشتی و متعلق به لایه اول هستند.

۳-۵. وندهای اشتقاقی زبان فارسی

۱-۳-۵. پیشوندهای فعلی

۱- «باز-» /baz-/ : این پیشوند دارای دو کاربرد مختلف است. در ترکیبات، فعلی غیرخشتی و تکیه‌بر است، اما در سایر موارد با افزودن این وندها جایگاه تکیه تغییری نمی‌کند و تکیه همچنان روی هجای آخر باقی می‌ماند.

الف) «باز-» + بن ماضی ← فعل. مثال: «بازگشت» /b'azgæšt/ ، «بازداشت» /b'azdašt/

ب) «باز-» + بن ماضی ← اسم (مصدر مرخم). مثال: «بازگشت» /b'azg'æšt/ ، «بازداشت» /b'azd'ašt/

ج) «باز-» + بن مضارع ← اسم (صفت فاعلی مرخم). مثال: «بازپرس» /b'azp'ors/ ، «بازرس» /b'azr'æs/

پیشوند «باز-» در الف) غیر خشتی و متعلق به لایه اول، و در ب) و ج) خشتی و متعلق به لایه دوم است.

۲- «وا-» /va-/ : ناتل خانلری (۱۳۶۹: ۴۷) معتقد است که: "پیشوند وا- تلفظ دیگری از باز- است."

این وندها با همان معانی عقب و برعکس به عنوان پیشوند فعلی و غیرفعلی به کار می‌رود.

الف) «وا-» + بن ماضی ← فعل. مثال: «واداشت» /v'adašt/ «وا گذاشت» /v'agozašt/
 ب) «وا-» + بن مضارع ← اسم (صفت فاعلی مرخم). مثال: «واگیر» /vag'ir/ «واگذار» /vagoz'ar/
 ج) «وا-» + بن ماضی ← اسم (مصدر مرخم). مثال: «وانمود» /vanem'ud/ «واخواست» /vax'ast/

پیشوند «وا-» در (الف) غیرخنتی و متعلق به لایه اول، و در (ب) و (ج) خنتی و متعلق به لایه دوم است.

۳- «بر-» /bær-/ مشکور (۱۳۶۳: ۲۸۷) معتقد است: "این وند در زبان پهلوی «اپر» (Apar) و در شاهنامه نیز گاهی به صورت «ابر» (Abar) آمده است." بر در مقام پیشوند فعلی چندان زایا نیست.

الف) «بر-» + بن ماضی ← فعل. مثال: «برگشت» /b'ærgæšt/ «برکشید» /b'ærkæšid/
 ب) «بر-» + بن مضارع ← اسم (صفت فاعلی مرخم). مثال: «برگزار» /bærgoz'ar/ «برچسب» /bærč'æsp/
 ج) «بر-» + بن ماضی ← (مصدر مرخم). مثال: «برداشت» /bærd'št/ «برخوردار» /bærxord'ar/

پیشوند «بر-» در (الف) غیرخنتی و متعلق به لایه اول و در (ب) و (ج) خنتی و متعلق به لایه دوم است.

۴- «ور-» /væR-/ ترکیبات همراه با «ور-» گاه صورت محاوره‌ای ترکیبات همراه با «بر-» هستند، مانند: «ورچیدن/ برچیدن»، و گاه واژه‌های جداگانه‌ای به حساب می‌آیند، مانند: «ورشکست».

الف) «ور-» + بن ماضی ← اسم (صفت مفعولی یا مصدر مرخم). مثال: «ورشکست» /væRšek'æst/

ب) «ور-» + بن ماضی ← فعل. مثال: «وررفت» /v'ærræft/، «ورچید» /v'ærčid/

پیشوند «ور-» در (الف) خنتی و متعلق به لایه دوم، و در (ب) غیر خنتی و متعلق به لایه اول است.

۵- «در-» /dæR-/ ناتل خانلری (۱۳۶۹: ۴۱) معتقد است: "این پیشوند در فارسی باستان «antar» به معنی داخل و درون چیزی بوده و در پهلوی و فارسی دری اندر پیشوند فعلی و مشتقات اسمی آن است."

الف) «در-» + بن ماضی ← فعل. مثال: «دریافت» /d'æryaft/ «درگذشت» /d'ærgozašt/
 ب) «در-» + بن ماضی ← اسم (مصدر مرخم). مثال: «در آمد» /dæram'æd/ «درخواست» /dærx'ast/

ج) «در-» + بن مضارع ← صفت فاعلی مرخم. مثال: «درخور» /dærx'or/ «درگیر» /dærg'ir/

این پیشوند در (الف) غیرخنتی و متعلق به لایه اول، و در (ب) و (ج) خنتی و متعلق به لایه دوم است.

۶- «فرا -» /færa-/: فرا مخفف فراز است به معنی به پیش، که در مقام پیشوند فعلی کاربرد چندانی ندارد.

الف) «فرا -» + بن ماضی ← فعل. مثال: «فرارسید» /fær'aræsid/، «فراگرفت» /fær'agereft/، «فرایند» /færag'ir/، «فرایند» /færay'aend/

این پیشوند در (الف) غیرخنثی و متعلق به لایه اول و در (ب) خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۷- «فرود -» /forud-/: ناتل خانلری (۱۳۶۹:۴۵) می‌گوید: "این وند مفهوم حرکت از بالا به پایین را در بر دارد و در پهلوی و فارسی دری، هم به صورت حرف اضافه و قید و هم مانند پیشوند فعلی به کار می‌رفت."

«فرود -» + بن ماضی ← فعل. مثال: «فرود آمد» /for'udamæd/، «فرود آورد» /for'udaværd/

این وند اشتقاقی، غیرخنثی و متعلق به لایه اول است.

۸- «فرود -» /foru-/: گمان می‌رود که پیشوند فرو صورت تخفیف یافته و تازه‌تری از فرود باشد. فرو در مقام پیشوند فعلی چندان زایا نیست. همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید این پیشوند اسم، صفت یا فعل می‌سازد.

الف) «فرود -» + بن ماضی ← فعل. مثال: «فرو رفت» /fo'ruæft/، «فروپاشید» /fo'rupašid/، «فروکش» /foruk'eš/

ج) «فرود -» + صفت مفعولی ← صفت. مثال: «فرورفته» /foruræft'e/، فروافتاده /foruoftad'e/

این وند در (الف) غیرخنثی و متعلق به لایه اول و در (ب) و (ج) خنثی و متعلق به لایه دوم است.

پیشوندهای فعلی	خنثی	غیرخنثی	مثال
۱- باز /baz/	+	+	بازگشت /bazg'æšt/ (اسم) - /b'azgæšt/ (فعل)
۲- وا /va/	+	+	واگیر /vag'ir/ (اسم) - واداشت /v'adašt/ (فعل)
۳- بر /bær/	+	+	برداشت /bærda'st/ (اسم)، /b'ærdašt/ (فعل)
۴- ور /vær/	+	+	ورشکست /væršekæ'st/ (اسم)، ورفرفت /v'ærræft/ (فعل)
۵- در /dær/	+	+	درگیر /dærg'ir/ (اسم) دریافت /d'æryaft/ (فعل)
۶- فرا /færa/	+	+	فراگیر /færag'ir/ (اسم) - فراگرفت /fær'agereft/ (فعل)
۷- فرود /forud/	+		فرود آمد /for'udamæd/ (فعل)
۸- فرو /foru/	+	+	فروکش /foru'keš/ (اسم)، فرو رفت /for'uræft/ (فعل)

۵-۳-۲. پیشوندهای غیر فعلی

پیشوندهایی هستند که با واژه‌هایی چون اسم، ضمیر، صفت، بن ماضی و بن مضارع فعل ترکیب می‌شوند و کلمات مشتق غیرفعلی (اسم، صفت، یا قید) می‌سازند. این پیشوندها عبارتند از:

۱- «آبر-» /æbær/ اینوند به معنی بالاتر و برتر و یکی از گونه‌های پیشوند «بر-» است.

«فرو-» + اسم ← صفت. مثال: «ابرقدرت» /æbærqodræt/ «ابرمرد» /æbærmærd/

اینوند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۲- «باز-» /baz-/ اینوند به عنوان پیشوند غیرفعلی به معنی عقب، برعکس و دوباره در کلماتی

همچون بازپس /bæzpæs/ و بازدم /bæzdæm/ به کار می‌رود.

اینوند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۳- «بلا-» /bela-/ این پیشوند از حرف جر عربی «ب» همراه با حرف نفی عربی «لا» ساخته شده

است.

«بلا-» + اسم ← صفت / قید. مثال: «بلاتکلیف» /belatækl'if/، «بلافاصله» /belafasel'e/

اینوند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۴- «بی-» /bi-/ ناتل خانلری (۱۳۶۹: ۴۹) می‌گوید: اینوند "در فارسی میانه به صورت «ابی» /abi-/

برای ایجاد اسم از صفت به کار می‌رفت /abi-spās/ «بی‌سپاس». این پیشوند از ادات نفی است.

«بی-» + اسم ← صفت. مثال: «بی‌گناه» /bigon'ah/، «بیکار» /bik'ar/

اینوند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۵- «با-» /ba-/ با + اسم معنی ← صفت. مثال: «باخرد» /baxer'æd/، «باهوش» /bah'uš/

اینوند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۶- «پُر-» /por-/ پُر: از پیشوندهای کثرت است، و غالباً به اسم افزوده می‌شود.

«پُر-» + اسم ← صفت. مثال: «پررو» /por'ru/، «پرمایه» /pormay'e/، «پرگهر» /porgoh'ær/

اینوند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۷- «پاد-» /pad-/ دارمستتر^۴ (۱۸۸۳: ۳۰۱) معتقد است: "کلمات پاسخ، پاداش، پادزهر از ترکیب با

پیشوند پاد، که در این کلمات معنی ضد دارد، پیدا شده است."

«پاد-» + اسم ← اسم. مثال: «پادزهر» /padz'æhr/ «پاتک» /pat'æk/

این وند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۸- «پیش-» /piš/ این وند به معنی جلو است و با اسم و بن ماضی ترکیب می‌شود.

الف) «پیش-» + اسم / بن ماضی ← اسم. مثال: «پیشگام» /pišg'am/ «پیشامد» /pišam'æd/

این وند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۹- «لا-» /la/ این وند از عناصر دخیل عربی در فارسی است، که با اسم ترکیب می‌شود و صفت یا

قید می‌سازد.

«لا-» + اسم ← صفت / قید. مثال: «لامذهب» /lamæzh'ab/ «لاقید» /laq'eyd/

این وند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۱۰- «نا-» /na-/ «نا-» پیشوند نفی است. این وند بنا به گفته ناتل خانلری (۱۳۶۹:۳۹): "در فارسی

میانه به صورت a یا an پیش از مصوت برای نفی به کار می‌رفت که در فارسی دری متروک شد. مانند: a-marg (نامردنی)، an-āzarm (بی‌آزم). امروزه به جای آن از «بی» و «نا» استفاده می‌شود.

الف) «نا-» + اسم ← صفت / اسم. مثال: «نا امید» /naom'id/ «ناپدیری» /napedar'i/

ب) نا + ضمیر / صفت / بن مضارع ← صفت. مثال: «ناکس» /nak'es/ «ناراضی» /naraz'i/ «نارس»

/nar'æs/

این وند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۱۱- «ذ-» /næ-/ این وند شبیه «نا-» است و مفهوم نفی دارد.

الف) «ذ-» + صفت ← صفت. مثال: «نمردنی» /næmordæn'i/

ب) «ذ-» + بن مضارع ← اسم. مثال: «نشکن» /næšk'æn/ «نفهم» /næf'æhm/

این وند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۱۲- «هم-» /-hæm/ این وند به معنی اشتراک یا شباهت است.

الف) «هم-» + بن ماضی / بن مضارع ← اسم. مثال: «همزاد» /hæmz'ad/ «همنشین» /hæmneš'in/

ب) «هم-» + اسم ← اسم. مثال: «همکار» /hæmk'ar/ «همدم» /hæmd'æm/

این وند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایه دوم است.

۱۳- «سر -» /-sær/:

«سر -» + اسم/ بن ماضی ← اسم. مثال: «سرآمد» /særam'æd/، «سرچشمه» /særčešm'e/

این وند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایهٔ دوم است.

۱۴- «کم -» /kæm/ این پیشوند بیانگر قلت است.

«کم -» + اسم ← صفت. مثال: «کم‌مایه» /kæmmay'e/، «کم‌تجربه» /kæmtæjrob'e/

این وند اشتقاقی، خنثی و متعلق به لایهٔ دوم است.

پیشوندهای غیر فعلی اشتقاقی	خنثی	غیر خنثی	مثال
۱- ابر /æbær/	+		ابر قدرت /æbærqodr'æt/
۲- باز /baz/	+		بازپرس /bazp'ors/
۳- بلا /bela/	+		بلا تکلیف /belatækl'if/
۴- بی /bi/	+		بیکار /bik'ar/
۵- با /ba/	+		باهوش /bah'uš/
۶- پر /por/	+		پرو /porr'u/
۷- پاد /pad/	+		پادزهر /padz'æhr/
۸- پیش /piš/	+	+	پیشامد /pišam'æd/ (اسم)، پیش‌آمد فعل /p'išamæd/
۹- لا /la/	+		لاقید /laq'eyd/
۱۰- نا /na/	+		نادان /nad'an/
۱۱- ن /næ/	+		نشکن /næšk'æn/
۱۲- هم /hæm/	+		همکار /hæmk'ar/
۱۳- سر /sær/	+	+	سرآمد /særam'æd/ (اسم)، سرآمد /s'æramæd/
۱۴- کم /kæm/	+		کم‌کار /kæmk'ar/

جدول (۷)

۳-۳-۵. پسوندهای اشتقاقی

۱- «-ا» /-a/ : کلباسی (۱۳۸۰: ۹۸) معتقد است: "این وند در فارسی میانه به صورت /-āg/ بوده است، مانند dānāg «دانا»، garmāg «گرما»."

الف) بن فعل + «-ا» ← اسم / صفت / قید. مثال: /dan'a/ «دانا» /kuš'a/ «کوشا»

ب) صفت + «-ا» ← اسم. مثال: /rast'a/ «راستا» /gærm'a/ «گرما»

این وند اشتقاقی، غیر خنثی و متعلق به لایه اول است.

۲- «-ار» /-ar/ : این پسوند در فارسی میانه نیز به صورت /ar/ بوده است، مانند /did'ar/ «دیدار». کشانی (۱۳۷۱: ۴۷) می‌گوید: "این پسوند، که دورانی غیر فعال بود، در فارسی امروز دوباره فعال شده است."

بن ماضی + «-ار» ← اسم / صفت. مثال: /kerd'ar/ «کردار» /xærid'ar/ «خریدار»

این وند اشتقاقی، غیر خنثی و متعلق به لایه اول است.

۳- «-ان» /-an/ : این وند در فارسی میانه به صورت /-an/ بوده است، مانند: /bar'an/ «باران»
الف) بن مضارع / اسم + آن ← صفت. مثال: /xand'an/ «خندان» /bardšir'abakan/ «اردشیر بابکان»
ب) اسم + «-ان» ← اسم (مکان و زمان). مثال: /gorg'an/ «گرگان» /bæhar'an/ «بهاران»

این وند اشتقاقی، غیر خنثی و متعلق به لایه اول است.

۴- «-انه» /-ane/ : «-انه» از جمله پسوندهای شباهت و لیاقت است. کلباسی (۱۳۸۰: ۱۰۳) می‌گوید: "این وند در فارسی میانه به صورت ānag بوده است، مانند tāzānag «تازیانه»."

اسم + «-انه» ← اسم / صفت نسبی. مثال: /sobhan'e/ «صبحانه» /maerdan'e/ «مردانه»

این وند در تمامی کاربردهایش اشتقاقی، غیر خنثی و متعلق به لایه اول است.

۵- «-ه» /-e/ : این وند در فارسی میانه به صورت -æg بوده است. مانند bændæg «بنده».
الف) اسم / صفت / عدد + «-ه» ← اسم. مثال: /zæban'e/ «زبان» /jævan'e/ «جوان» «هزاره» /hezar'e/
ب) بن ماضی / مضارع + «-ه» ← اسم. مثال: /šomar'e/ «شماره» /gir'e/ «گیره»
پ) کلمات مرکب + «-ه» ← اسم / صفت. مثال: /došax'e/ «دوشاخه» /yeksar'e/ «یکسره» مثلاً در «بلیت یکسره»

ت) صفت + «-ه» ← صفت بیانگر عادت و تداوم. مثال: «بدکاره» /bædkar'e/ «ستمکاره» /setæmkar'e/

این وند در تمامی کاربردهایش اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۶- «-ستان» /estan/ کلباسی (۱۳۸۰:۱۰۸) معتقد است: "صورت فارسی میانه این وند estān است، مانند /šæhrestan/ «شهرستان»".

اسم + «-ستان» ← اسم مکان. مثال: «گلستان» /golest'an/، «کردستان» /kordest'an/

این وند اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۷- «-ش» /-eš/ صورت فارسی میانه این وند /-išn/ بوده است: /kunišn/ (کنش).
الف) بن فعل / صفت + «-ش» ← اسم مصدر/ اسم. مثال: «ریزش» /riz'eš/ «پیدایش» /peiday'eš/

این وند اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۸- «-ک» /-æk/ این وند بیانگر تصغیر است.

الف) اسم / صفت + «-ک» ← اسم. مثال: «شهرک» /šæhr'æk/، «سفیدک» /sefd'æk/

ب) بن فعل + (بن فعل) + «-ک» ← اسم. مثال: «روروک» /rowrow'æk/، «غلتک» /qælt'æk/

ت) /-æk/ با /-e/ ترکیب می‌شود و /-æke/ یا /-ike/ وند تصغیر را می‌سازد، مانند: «مردکه» /مردیکه/.

این پسوند در تمامی حالات اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۹- «-اک» /-ak/ این وند امروزه با چند مشتق زیر کم و بیش استعمال می‌شود.

اسم / بن فعل + «-اک» ← اسم. مثال: «خاشاک» /xaš'ak/، «پوشاک» /puš'ak/، «خوراک» /xor'ak/

این پسوند اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۱۰- «-یار» /-yar/ فره‌وشی (۱۳۵۸: ۳۳۸) می‌گوید: "این وند در فارسی میانه به دو صورت /dār/ و

/yār/ بوده است: /wasyār/ به معنی بسیار".

اسم + «-یار» ← اسم. مثال: «شهریار» /šæhry'ar/، «دادیار» /dady'ar/

این وند اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۱۱- «-ور» /væɾ/ کلباسی (۱۳۸۰:۱۴۳) معتقد است: "این وند در فارسی میانه به صورت *-war* بوده است: *ganjwar* «گنجور»". «-ور» گاهی با پسوند «-مند» در رقابت است، مانند: «هنرور» / «هنرمند».

اسم + «-ور» ← اسم / صفت. مثال: «بارور» /barv'æɾ/، «دانشور» /danešv'æɾ/

این وند اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۱۲- «-وار» /var/ کلباسی (۱۳۸۰:۱۴۱) می‌گوید: "در فارسی میانه این وند به صورت *-wār* بوده است: *sazāgwār* «سزاوار»". «-وار» با پسوندهای «آسا»، «آنه» و «گونه» در رقابت است، مسیح‌وار / مسیح‌آسا.

اسم + «-وار» ← اسم / صفت / قید. مثال: «امیدوار» /omidv'ar/، «سوگوار» /sugv'ar/

این وند اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۱۳- «-ناک» /-nak/ فره‌وشی (۱۳۸۵:۱۳۸) معتقد است: "این وند در فارسی میانه به صورت */nāk* بوده است: *tarsināk* «ترسناک»". این وند به معنی آمیختگی است.

اسم + «-ناک» ← صفت. مثال: «وحشتناک» /væhšætn'ak/، «خطرناک» /xætaern'ak/

این پسوند اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۱۴- «-مند» /-mænd/ به معنی دارندگی است و معمولاً با پیشوند *-* در رقابت است ارزشمند / «با ارزش».

اسم + «-مند» ← صفت. مثال: «شکوهمند» /šokuhm'ænd/، «هنرمند» /honærm'ænd/

این پسوند اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۱۵- «-گر» /-gær/ «-گر» اصولاً پسوند پیشه و کار است، و بر ورزنده کاری دلالت می‌کند.

اسم + «-گر» ← اسم / صفت. مثال: «شناگر» /šenag'ær/، «ستمگر» /setæmg'ær/

این پسوند اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۱۶- «-گار» /-gar/ کلباسی (۱۳۸۰:۱۳۴) معتقد است: "این وند در فارسی میانه به صورت *-gār* بوده است: *rōzgār* (روزگار)". این وند نسبتاً زیاست.

الف) اسم / بن مضارع یا ماضی + «-گار» ← اسم. مثال: «روزگار» /ruzg'ar/، «آموزگار» /amuzg'ar/

این پسوند اشتقاقی، غیرخنتی و متعلق به لایه اول است.

۱۷- «-کده» /-kæde/: این وند برای بیان مکان به کار می‌رود. کلباسی (۱۳۸۰:۱۳۴) معتقد است: "صورت فارسی میانیه این وند kadag- (خانسه) بوده است".

اسم + «-کده» ← اسم. مثال: «بتکده» /botkæd'e/، «دانشکده» /daneškæd'e/

این پسوند اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول است.

۱۸- «-کار» /-kar/: این وند در فارسی میانه به صورت kār- بوده است: vināskar به معنی گناهکار.

الف) اسم + «-کار» ← اسم/ صفت. مثال: «جوشکار» /jušk'ar/، «تبه‌کار» /tæbæhk'ar/

ب) فعل + «-کار» ← اسم/ صفت. مثال: «ندانم‌کار» /nædanæmk'ar/، «بستانکار» /bestank'ar/

این پسوند اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول است.

۱۹- «-سان»، «-آسا»، «-سا» ناتل خانلری (۱۳۶۹:۳۷)، کلباسی (۱۳۸۰:۱۳۱) و کشانی (۱۳۷۱: ۴۸) معتقدند که پسوندهای «-سا»، «-آسا» و «-سان» تلفظ‌های گوناگون یک پسوند خاص هستند، چون هم نوعی تشابه آوایی دارند و هم از نظر معنی یکسانند. این وندها به دلیل هجایی و قافیه‌ای از یکدیگر فاصله گرفته‌اند.

الف) «-سان» /-san/ و «-سا» /-sa/ به معنی شباهت در کلماتی، همچون «همسان» /hæms'an/ و «مهسا» /mæhs'a/ دیده می‌شوند. این وندها امروزه زایایی خود را از دست داده‌اند و سترون هستند.

ب) «-آسا» /-asa/ + اسم «-آسا» ← صفت/ قید. مثال: «برق‌آسا» /bærq'asa/

این پسوندها در تمامی حالات اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول هستند.

۲۰- «-دان» /-dan/: این وند به معنی مکان است. گاهی «-دان» به اسم علوم افزوده می‌شود. مانند «شیمیدان».

اسم + «-دان» ← اسم مکان. مثال: «گلدان» /gold'an/، «آتشدان» /atæšd'an/

این وند اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول است.

۲۱- «-بان» /-ban/: این وند به معنی محافظ یا مسئول به کار می‌رود.

اسم (شیء یا مکان) + «-بان» ← اسم فاعل. مثال: «دربان» /dærb'an/، «جنگلبان» /jængælb'an/

این وند اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول است.

۲۲- «-سار» /-sar/ این پسوند امروزه غیرفعال است. کلباسی (۱۳۸۰:۱۳۰) معتقد است: "سار در فارسی میانه به صورت /sār/ بوده است. مانند «سنگسار» /sangsār/."

اسم/ صفت + «-سار» ← اسم/ صفت. مثال: «کوهسار» /kuhs'ar/، «شرمسار» /šærms'ar/

این وند اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول است.

۲۳- «-سر» /-sær/ به معنی مکان. اسم + سر ← اسم. مثال: «بابلسر» /babols'aer/ و «رودسر».

این وند اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول است.

۲۴- «-زار» /-zar/ فره‌وشی (۱۳۵۸:۳۹۹) معتقد است: "صورت فارسی میانه این وند /-ēčār/ و /ičār/ و /-ezar/ بوده است. مانند: /kārīčār/، /kārēčār/ و /katrezār/ (کارزار). "ناتل خانلری (۱۳۶۹:۲۹) صورت چهارم؛ یعنی /-ijar/ را نیز برای آن بیان می‌کند، مانند: /karijar/

اسم/ اسم مصدر + «-زار» ← اسم. مثال: «گندمزار» /gændomz'ar/، «کشترار» /keštz'ar/

این وند اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول است.

۲۵- «-چه» /-čē/ فره‌وشی (۱۳۵۸:۴۱۴) می‌گوید: "این وند در فارسی میانه به صورت /-ičak/ izag/ بوده است. مانند: /nāyizag/ (نی کوچک)، /kaničak/ به معنی کنیزک". وند «-چه» دارای دو ساختار مجزا می‌باشد.

۱- اسم اشیا + «-چه» ← اسم (مصغر). مثال: «باغچه» /baqč'e/، «دریاچه» /dæryač'e/

۲- اسم + «-چه» ← اسم (بیانگر شباهت با کلمه ریشه). مثال: «ماهیچه» /mahič'e/، «میخچه» /mixč'e/

این وند اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول است.

۲۶- «-ین» /-in/ صورت فارسی میانه این وند به صورت /-in/ بوده است. مانند: /pæšmin/

الف) اسم + «-ین» ← صفت. مثال: «پشمین» /pæšm'in/، «سنگین» /sæng'in/

ب) اعداد + «-ین» ← عدد ترتیبی. مثال: «هفتمین» /hæftom'in/، «دهمین» /dahom'in/

این وند اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول است.

۲۷- «-ی» /-i/ این وند قابلیت آن را دارد که به اسم، صفت، قید یا ماده فعل افزوده شود و اسم یا صفت ایجاد کند.

الف) اسم/ صفت/ عدد + «-ی» ← اسم. مثال: «خیاطی» /xæyyat'i/، «هزاری» /hezar'i/

ب) اسم/ مصدر + «-ی» ← صفت. مثال: «پشمی» /pæšm'i/، «کرمانی» /kerman'i/

این وند در تمامی حالات اشتقاقی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول است.

پسوندهای حقیقی	خشتی	غیر خشتی	مثال
۱- آ /a/	+	+	گرما /gærm'a/ (غیر خشتی)، خدا یا /xo'daya/ (خشتی)
۲- آر /ar/		+	پرستار /pæræst'ar/
۳- آن /an/		+	بهاران /bæhar'an/
۴- آنه /ane/		+	مردانه /mærdan'e/
۵- هـ /e/		+	هزاره /hezar'e/
۶- ستان /estan/		+	کردستان /kordest'an/
۷- ش /eš/		+	آموزش /amuz'eš/
۸- ک /æk/		+	شهرک /šæhr'æk/
۹- آک /-ak/		+	پوشاک /puš'ak/
۱۰- یار /yar/		+	هوشیار /hušy'ar/
۱۱- ور /væ:r/		+	بارور /barv'ær/
۱۲- وار /var/		+	امیدوار /omidv'ar/
۱۳- ناک /nak/		+	خطرناک /xætær'ak/
۱۴- مند /mænd/		+	هنرمند /honærm'ænd/
۱۵- گر /gær/		+	ستمگر /setæmg'ær/
۱۶- گار /gar/		+	آموزگار /amuzg'ar/
۱۷- کده /kæde/		+	دانشکده /daneškæd'e/
۱۸- کار /kar/		+	صافکار /safk'ar/
۱۹- سان /san/، آسا، سا		+	همسان /hæms'an/
۲۰- دان /dan/		+	گلدان /gold'an/
۲۱- بان /ban/		+	دربان /dæarb'an/
۲۲- سار /sar/		+	شرمسار /šarms'ar/
۲۳- سر /sær/		+	بابلسر /babols'ær/
۲۴- زار /zar/		+	گلزار /golz'ar/
۲۵- چه /če/		+	باغچه /baqč'e/
۲۶- ین /in/		+	پشمین /pæšm'in/
۲۷- ی /-i/		+	خوردنی /xordæn'i/

جدول (۸)

۶- خلاصه و نتیجه‌گیری

در این مقاله ۶۲ وند تصریفی و اشتقاقی زبان فارسی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفت و در نهایت، نتایج زیر حاصل شد:

۱- از میان هشت وند تصریفی مورد مطالعه، هفت وند غیرختشی و یک وند ختشی است (ر.ک. جدول ۵).

۲- هر پنج وند زایای عربی موجود در زبان فارسی غیرختشی هستند.

۳- از میان هشت پیشوند فعلی مورد مطالعه، غیر از فرود، هفت پیشوند دیگر به دو صورت ختشی و غیرختشی عمل می‌کنند. اگر واژه حاصل از اشتقاق اسم باشد، پیشوند به صورت ختشی و اگر فعل باشد، پیشوند به صورت غیرختشی عمل می‌کند (ر.ک. جدول ۶).

۴- از چهارده پیشوند غیرفعلی مورد مطالعه، که در جدول ۷ فهرست شده‌اند، دو پیشوند «پیش -» /piʃ/ و «سر -» /sær/ به دو صورت ختشی و غیرختشی عمل می‌کنند اما سایر پیشوندهای غیرفعلی ختشی هستند.

۵- تمام پسوندهای اشتقاقی ارائه شده در جدول ۸ غیرختشی هستند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که غیر از پیشوندهای غیرفعلی اشتقاقی که معمولاً ختشی هستند، سایر پیشوندها و پسوندهای اشتقاقی و بیشتر وندهای تصریفی زبان فارسی غیرختشی و تکیه‌بر هستند. لذا به این تعمیم دست می‌یابیم که بیشتر وندهای زبان فارسی گرایش به غیرختشی بودن دارند. نتیجه کلی حاصل از تحقیق به صورت خلاصه در جدول زیر ارائه گردیده است:

جدول کلی وندها	تعداد وند مورد مطالعه	ختشی	غیرختشی
۱- وندهای تصریفی اصلی	۸		+
۲- وندهای تصریفی عربی در فارسی	۵		+
۳- پیشوندهای فعلی	۸	+(اسم ساز)	+(فعل ساز)
۴- پیشوندهای غیر فعلی اشتقاقی	۱۴	+	
۵- پسوندهای واژه ساز	۲۷		+

جدول (۹)

پی‌نوشت‌ها

۱- مدخل‌های واژگانی غیراشتقاقی همچون «در» و «پنجره» در حیطه هیچ یک از فرایندهای صرفی قرار نمی‌گیرند.

۲- منظور تکیه نخستین است.

۳- کلباسی (۱۳۸۰:۳۳) معتقد است که آن /an/ نشانه فعل سببی (causative verb) است، نه «اند» یا «انید».

۴- Dramesteter

کتابنامه

- اگرادی، ویلیام. دابروولسکی، مایکل. و آرونوف، مارک. (۱۹۸۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*. ج ۱. ترجمه علی درزی. تهران: انتشارات سمت.
- دار مستتر، جیمز. (۱۳۲۵). *وندهای پارسی*. ترجمه محمد علی لویبی. تهران: بخش تتبعات ایرانی.
- شقایقی، ویدا. (۱۳۸۶). *مبانی صرف*. تهران: انتشارات سمت.
- فروه‌وشی، بهرام. (۱۳۵۸). *فرهنگ فارسی به پهلوی*. تهران: دانشگاه تهران.
- کشانی، خسرو. (۱۳۷۱). *اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کلباسی، ایران. (۱۳۸۰). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۶۳). *دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی*. تهران: انتشارات توس.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۹). *تاریخ زبان فارسی*. ج ۳. تهران: نشر نو.

- Allen, M. (1978). *Morphological Investigations*. Doctoral Diserttion. University of Connecticut.
- Aronoff, M. (1976). *Word Formation in Generative Grammar*. Cambridge: MIT Press.
- Greenberg, J. H. (1966). *Universals of Language*. Cambridge: MIT Press.
- Halle, M. (1973). *Prolegomena to a Theory of Word-formation*. Cambridge: MIT Press.
- Hockett, C. (1958). *A Course in Modern Linguistics*. New York: Macmillan.
- Katamba, F. & Stonham, J. (2006). *Morphology*. London: Macmillan Press LTD.
- Kiparsky, p. (1982). *Lexical Morphology and Phonology*. Seoul: Hanshin.
- Matthews, P. (1974). *Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Siegel, D. (1974). *Topics in English Morphology*. New York: Garland.